

Turkey's Strategy in Facing PKK, ISIS, and the Strategic Considerations of the Islamic Republic of Iran

Mehdi Zakerian¹ | Ali Noori²

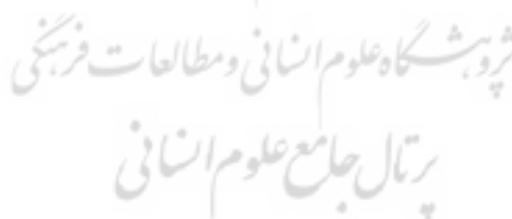
Abstract

The conflict involving the Kurdistan Workers' Party (PKK) and its urban branch, the Patriotic Revolutionary Youth Movement (YDGH), in Kurdish cities of Turkey has, for several weeks, destabilized national sovereignty in these regions and stripped governmental forces of their security control. The social ramifications of this conflict echo crises faced by several Muslim-majority countries in the Middle East.

This study, while addressing the primary question of how Turkey's foreign policy confronts the PKK and its impact on the strategic security considerations of the Islamic Republic of Iran, explores the social and political developments within the Kurdish community. Additionally, it examines the approaches of the PKK and Kurdish political movements in Turkey. Methodologically, this research is descriptive-analytical. Data were collected through documentation and referencing credible sources such as books, articles, and reports, as well as field observations and the researchers' experiences.

The findings indicate that by creating insecurity and altering the conditions in Iraq and Syria, Turkey has not only jeopardized the Iran-Iraq-Syria energy transit route to the Mediterranean but has also cast a shadow over the North-South transit corridor with the achievements in Karabakh.

Keywords: National Sovereignty, PKK, Democratic Peace, Security, AKP



1. Associate Professor of International Relations, Faculty of Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. Email: m-zakerian@srbiau.ac.ir

2. Corresponding Author: PhD student of International Relations, Department of International Relations, Faculty of Political Sciences, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran; ashti37@yahoo.com.

استراتژی ترکیه در مواجهه با «پ.ک.ک»، داعش و ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران

مهدی ذاکریان^۱ | علی نوری^۲

۱۰

سال ششم
بهار و تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۳

صص: ۲۶۰-۲۳۹

شابا چاپی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR: 20.1001.1.25386328.1403.6.10.10.3

چکیده

منازعه حزب کارگران کردستان ترکیه «پ.ک.ک» و شاخه شهری آن، یعنی اتحادیه دمکراتیک جوانان مدافع میهن (YDGH) در شهرهای کردی ترکیه، به مدت چند هفته حاکمیت ملی ترکیه را در این نواحی متزلزل کرده و کنترل امنیتی شهرها از دست نیروهای دولتی خارج کرد. البته آثار اجتماعی این منازعه، جلوه‌ای از بحران‌هایی را تداعی می‌کند که برخی از کشورهای مسلمان منطقه خاورمیانه با آن دست‌به‌گریبان‌اند. پژوهش حاضر ضمن پاسخگویی به سؤال اصلی یعنی چگونگی مواجهه سیاست خارجه ترکیه با «پ.ک.ک» و تأثیر آن بر ملاحظات راهبردی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، به بیان تحولات اجتماعی و سیاسی در جامعه کردی پرداخته و رویکرد «پ.ک.ک» و جریان‌ات سیاسی کردی ترکیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع معتبری چون کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر و همچنین مشاهدات میدانی و تجربیات پژوهشگر گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ترکیه با ایجاد ناامنی و تغییر شرایط عراق و سوریه، امروز نه تنها پروژه مسیر ترانزیت انرژی ایران، عراق و سوریه به مدیترانه را به محاق برده، بلکه بر مسیر ترانزیت شمال و جنوب نیز با دستاورد قره‌باغ سایه انداخته است.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت ملی، «پ.ک.ک»، صلح دمکراتیک، امنیت، AKP

۱. دانشیار روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

Email: m- zakerian@srbiau.ac.ir

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

Emial: ashti37@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

استراتژی ترکیه در سال‌های اخیر رویکرد فعالی داشته است. به‌طوری‌که عملاً تبدیل به مرکز دیپلماسی جهانی در خصوص مسائل خاورمیانه شده است. امروزه غرب به‌واسطه ترکیه با خاورمیانه و جهان اسلام ارتباط برقرار کرده و حتی در مورد مسائل ایران نیز، ترکیه به دنبال ایفای نقش می‌باشد. در این راستا باید گفت موفقیت ترکیه در سیاست خارجی، بدون در نظر گرفتن حضور حزب عدالت و توسعه در قدرت نمی‌توان تحلیل کرد.

حزب عدالت و توسعه (AKP) به‌صورت پیاپی سه بار پیروز انتخابات ترکیه شده است. این مسئله نشان می‌دهد که امروزه حزب به‌طور ملموس نماینده مردم ترکیه است. رهبران و اعضای اصلی این حزب، تکنوکرات‌هایی با سطح تحصیلات بالا در پست‌های کلیدی هستند که شناخت خوبی نسبت به حوزه سیاست ترکیه دارند که ازجمله می‌توان به طرح «عمق استراتژیک» که از سوی برخی نخبگان این حزب در راستای ایجاد یک سیاست خارجی فعال که پاسخگوی شرایط جدید به وجود آمده در محیط اطراف ترکیه باشد، اشاره نمود. در این دکتترین یکی از عمده‌ترین چالش‌ها در سیاست خارجه ترکیه که به‌نوعی در سیاست داخلی این کشور نیز بسیار تأثیرگذار و دخیل می‌باشد، موضوع اکراد با محوریت حزب کارگران کردستان ترکیه «پ.ک.ک.» می‌باشد (خیری، ۱۳۹۷: ۶۸).

«پ.ک.ک.» در سال ۱۹۷۸ توسط «عبدالله اوچالان» و فرماندهانش به وجود آمد و کارش را به‌مثابه سازمانی مسلح، چپ‌گرا و جدایی طلب آغاز نمود. در ادامه به تدریج رشد کرد و تبدیل به جنبشی شد که امروز از قدرت سیاسی و نظامی بهره می‌برد و در میان مناطق کردنشین تمام خاورمیانه پایگاهی مردمی دارد. قیام مسلحانه «پ.ک.ک.» در ترکیه از سال ۱۹۸۴ شروع شد و با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است که در دوره‌هایی همانند آنچه امروزه در استان‌های شرقی ترکیه رخ می‌دهد، با جنگ و خونریزی برجسته‌تر شده است. جنبش کردهای سوریه ثابت کرد که تنها نیرویی است که می‌تواند با دولت اردوغان بجنگد، درعین حال که قدرت سیاسی‌اش را در ترکیه افزایش می‌دهد. روند کردها در دو مسیر به‌طور هم‌زمان در حال حرکت است که هرکدام از شاخه‌ها به اشکال مختلف در حال بروز و ظهور است: اولی در ترکیه و دومی در عراق و سوریه.

این پژوهش می‌کوشد تا به این سؤال اساسی پاسخ دهد که اهداف استراتژی ترکیه در مواجهه و مبارزه با «پ.ک.ک» و داعش چیست؟

مبانی نظری

مفهوم شناسی:

حاکمیت ملی: حاکمیت حق انحصاری حکومت برای نظارت بر یک قلمرو ارضی معین است. حاکم بالاترین مرجع قانون‌گذاری است. لکن مفهوم حاکمیت ملی در عصر حاضر تغییر یافته است و اشاره بر حاکمیت مردم دارد تا حاکمیت هیئت حاکمه. تنها حاکمیت مردمی است که در حقوق بین‌الملل محترم است. حاکمیت ملی در حقیقت به این مفهوم است که کشور را چگونه بسازیم و به دست مردم چگونه به آن شکل بدهیم و در سازمان‌دهی و اداره کشور به دست مردم جامه عمل بپوشانیم. با آنکه قانون اساسی یک کشور به‌طور کلی موضوع اصلی حقوق اساسی آن را تشکیل می‌دهد، اما انحصاری نیست. حقوق اساسی تنظیم‌کننده رابطه حاکمیت با مردم است. باید در نظر داشت که حتی در کشورهایی که قانون اساسی نوشته آن‌ها قواعد اصلی مربوط به ساختمان دولت و سازمان حکومت را پیش‌بینی نموده است، بازهم بسیاری از قواعد مورد لزوم به‌وسیله قانون اساسی مشخص نگردیده و باید آن‌ها را در قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها، تصمیمات پارلمانی و حتی در رویه‌ها و عادات جستجو کرد. بدین طریق حقوق اساسی روند حاکمیت ملی و اداره کشور به دست مردم را تسریع می‌بخشد (دانش شهرکی، ۱۳۹۶).

«پ.ک.ک»: حزب کارگران کردستان (P.K.K) از احزاب کردی فعال در مرزهای شمال عراق و ترکیه می‌باشد که در سال ۱۹۷۵ بر اساس گسترش یک سری هسته‌های کوچک روشنفکری که عمدتاً در محافل دانشگاهی و توسط دانشجویان کرد از سال ۱۹۷۳ به فعالیت‌های محفلی مشغول بودند، تشکیل گردید و توانست با بهره‌برداری از فضای سیاسی حاکم بر کردستان ترکیه قبل از کودتای نظامی ژنرال «کنعان اورن» به بزرگ‌ترین و نیرومندترین سازمان سیاسی کرد در کشور ترکیه تبدیل شود. ساختار و سازمان «پ.ک.ک» تفاوت فاحشی با سایر احزاب و گروه‌های کردی دیگر دارد و آنچه «پ.ک.ک» از خود ارائه می‌دهد مانند ساختار دولت‌هاست. کنگره خلق که نقش مجلس یا قوه مقننه را دارد، دولت و هیئت انضباطی سه رکن اصلی در

ساختار «پ.ک.ک» می‌باشد. قوه مقننه ۳۰۰ عضو دارد که هر ۴ سال یک‌بار در کنگره برگزیده می‌شوند و ۱۱ کمیسیون زیر نظر این افراد اداره می‌شوند که عبارت‌اند از: کمیسیون سیاسی، فرهنگی و هنری، دفاع مشروع، مالی و اقتصادی، اجتماعی، زبان و آموزش، اکولوژی، روشنگری، مطبوعات، تندرستی و کمیسیون حقوق.

داعش: دولت اسلامی عراق و شام یا داعش، گروهی منشعب از القاعده هستند که از منظر گرایش‌ات عقیدتی و فکری و همچنین جنبه رفتاری، رویکرد یکسانی با القاعده دارد. با این حال رفتار این گروه تروریستی در طول یک دهه گذشته و به‌خصوص چند سال اخیر، نشان می‌دهد که این گروه در مقایسه با القاعده دارای افکار رادیکال‌تر و اعمال خشونت‌آمیزتری می‌باشند. داعش با توجه به جدایی از القاعده و پیدایش اختلافاتی بین آن دو به‌عنوان مخوف‌ترین و قدرتمندترین گروه تروریستی در منطقه خاورمیانه ظهور کرده است. هرچند که داعش در شکل کنونی آن محصول بحران سوریه و گسترش اختلافات و منازعه‌های منطقه‌ای بعد از ۲۰۱۱ است، اما ریشه‌ها و روند قدرت گرفتن آن به دوره پس از حکومت صدام در عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ به بعد مربوط است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت و فضای مناسبی را برای حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های مسلح و تروریستی مختلف از جمله گروه‌های مرتبط با القاعده در این کشور به وجود آورد. این گروه جنایات متعددی را در عراق علی‌الخصوص مناطق شیعه‌نشین آمرلی، جلولا و روستای بشیر مرتکب شدند (یزدان پناه، ۱۳۹۴: ۲۸۵).

صلح دموکراتیک: این اصطلاح را اولین بار کانت، فیلسوف برجسته آلمانی در سده هیجدهم وارد مباحث علوم سیاسی نمود و سپس شومپتر، اقتصاددان اتریشی در قرن بیستم از زاویه اقتصادی آن را تأیید نمود. با توسعه نظام دموکراسی لیبرال-سکولار در نیمه دوم قرن بیستم، توجه بیشتری به رابطه صلح و دموکراسی معطوف گردید. قرائت محکم این نظریه که طرفداران اندکی دارد ادعا می‌کند که کشورهای دموکراتیک، اصولاً در روابط خارجی خود، صلح‌جو هستند. بر پایه قرائت ضعیف، کشورهای دموکراتیک، تنها در روابط میان خود، گرایش به حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات دارند.

درعین حال این قرائت اذعان می‌کند که کشورهای دموکراتیک، در روابط خود با کشورهای غیردموکراتیک تفاوتی با کشورهای غیردموکراتیک در صلح‌جویی ندارند. چراکه صلح پایدار در

کنار عدالت، رفاه و توسعه در شمار آرمان‌های بنیادین بشر قرار دارد. نظریه امروزی صلح دموکراتیک را زیر عنوان صلح میان دولت‌های جمهوری عرضه می‌کند.

امنیت: تعریف لغوی امنیت عبارت است از در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره مسائلی است که انسان با آن مواجه می‌باشد. امنیت به صورت وسیع در مفهومی بکار گرفته شده که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم، احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج را داشته باشند (میرعرب، ۱۳۷۹).

چارچوب نظری: نظریه پسا بین‌الملل فرگوسن و منزباخ

ویژگی اصلی مدرنیزاسیون در عرصه سیاست بین‌الملل، وضعیت خاص فضای سرزمینی بوده است و دولت همان‌طور که به عنوان یک نماینده در خدمت شهروندان خود عمل می‌کند، کنترل انحصاری را بر سرزمین خود دارد که به عنوان ویژگی دولت وستفالیایی قلمداد می‌شود (سازمند، ۱۳۸۳). در مقابل فراملی‌گرایی که یکی از برداشت‌های لیبرالیسم از روابط متحول بین‌الملل است، بر روابطی فراتر از روابط دولت‌ها و میان کنشگرانی به جز دولت‌ها تأکید دارد. برای نخستین بار کوهن و نای بیان کردند که الگوی دولت-محور در روابط بین‌المللی نمی‌تواند بر تعاملات بین‌المللی کنترل داشته باشند (عباس زاده، ۱۳۹۸). در همین راستا آن‌ها بر این عقیده بودند که نقش کنشگران غیردولتی در آثار نظری و معطوف به سیاست‌گذاری در مطالعات سیاسی جهانی نادیده گرفته شده است. در مقابل، توجه آن‌ها به «روابط فراملی» است، یعنی «حکومت‌ها بر تماس‌ها، ائتلاف‌ها و مبادلات در ورای مرزهای دولت‌ها که ارکان اصلی سیاست‌گذاری خارجی است، کنترل ندارند». از نظر آن‌ها سازمان‌های فراملی به عنوان کنشگران جدید در کنار دولت‌ها عمل می‌کنند. این‌ها می‌توانند اتحادیه‌های صنفی، جنبش‌های انقلابی، شرکت‌های چندملیتی، کلیساها و دیگران را دربرگیرند (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۳).

فرگوسن و منزباخ را می‌توان اصلی‌ترین ادامه‌دهندگان نظریه فراملی‌گرایی دانست. از نظر آن‌ها برای چندین سال نظریه‌پردازان و کارورزان سیاست بین‌الملل با حاکمیت دولت، به عنوان بالاترین وفاداری بشر منبع اصلی قدرت و ارزش‌های عمومی همراه شده بودند. در این وضعیت

متداول این حقیقت که انسان همواره در جوامع سیاسی مختلف با درجه‌ای از استقلال و نیز با چندین هویت و وفاداری زندگی کرده را انکار کرده‌اند.

نظریه پسا بین‌الملل جهان را به‌عنوان محل استقرار بازیگران بسیار مختلف و با هویت‌های متفاوت که در موضوعات نامحدود مشغول به فعالیت هستند، در نظر می‌گیرد که در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف اعمال قدرت می‌کنند. برای مثال شرکت‌های چندملیتی و بانک‌های بزرگ به محرک‌های نوسازی و نابرابری اقتصادی تبدیل شده‌اند. عصر پسا بین‌الملل به دلیل عدم رضایت از نارسایی‌ها و تحریف‌های ذاتی در نظریه‌های واقع‌گرا و سنتی و نواقع گرا به‌ویژه نگاه دولت-محور آن‌ها به جهان ارائه شده است. چراکه از نظر فرگوسن و منزباخ عواملی همچون پایان جنگ سرد، روند جهانی‌شدن، انزوای برخی از دولت‌ها با وظایف معمول، تکثر بازیگران غیردولتی و ترس از تروریسم‌های آرمان‌گرا و مجموعه‌ای از عوامل ناخواسته دیگر، نظریه‌های روابط بین‌الملل را به‌صورت ناامیدکننده‌ای منسوخ ساخته است (عباس زاده، ۱۳۹۸: ۳۹-۳۵).

در چنین شرایطی دیدگاه پسا بین‌الملل این است که اگرچه حاکمیت دولت‌ها و روابط موجود میان آن‌ها مهم تلقی می‌شود اما کاهش وفاداری شهروندان به حکومت ملی و انتقال وفاداری‌ها به حکومت فوق ملی و جهانی می‌تواند از دیگر جلوه‌های تحولات و دگرگونی‌ها در چارچوب دولت‌های ملی به شمار رود که طی آن رابطه شهروندان با دولت تغییر یافته و ناسیونالیسم کمرنگ می‌شود (سازمند، ۱۳۸۳).

به عقیده منزباخ شهروندی تنها یکی از هویت‌های ممکن تلقی می‌شود. نژاد، جنسیت، طبقه، پایگاه اجتماعی، مذهب، شغل و ... هویت‌هایی هستند که می‌توانند با شهروندی رقابت کنند و این‌ها بیان‌کننده مفاهیم غیرسرزمینی از فضای سیاسی هستند (همان)؛ بنابراین از نظر فرگوسن و منزباخ نظریه پسا بین‌الملل نه تنها یک نظریه نیست، بلکه روش عملی برای فهم جهان و تجزیه و مسائل سیاسی جهان است. این نظریه بر تکثر بازیگران، سیاست‌های هویتی و تغییر مفاهیم فضای سیاسی تمرکز دارد. فضای سیاسی یعنی چگونگی توزیع هویت‌ها و وفاداری‌ها میان پیروان یک جامعه سیاسی که درون و برون را تعریف می‌کند، یعنی بر این اساس که ما کیستیم، آن‌ها مشخص می‌شوند.

فرگوسن و منزباخ معتقدند که باوجود اینکه برخی آن‌ها را «لیبرال» می‌دانند، اما خود آن‌ها، راه خود را در نقطه‌ای متمایز از لیبرالیسم تلقی می‌کنند. آن‌ها می‌گویند این برداشت را که «تاریخ جایی می‌رود» رد می‌کنند. آن‌ها تأکید دارند که بسیاری از تحولات اخیر در زمینه رشد فراملی‌گرایی و شکل گرفتن هویت‌های جدید همراه با تهدید علیه ارزش‌های لیبرال مانند سکولاریسم، علم و عقل‌گرایی است (مشیرزاده، ۱۳۹۴).

ارتباط چارچوب نظری با موضوع پژوهش

حزب کارگران کردستان ترکیه شامل شهروندانی از کشورهای به اصطلاح محور ساعت (سوریه، ایران، عراق و ترکیه) است که با این سازمان به خود هویت می‌بخشند و نمونه‌ای از برهم ریختن شالوده ملی (پان کردیسم) هویت‌هاست. در اینجا هویت‌هایی چون هویت قومی جایگزین هویت شهروندی عصر بین‌الملل می‌شود. درواقع این دین و مذهب و قومیت است که به آن‌ها هویت می‌بخشد و انسجام حزبی و وفاداری گروه‌کی را به وجود می‌آورد و ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب را به چالش می‌کشد.

این اشتراکات قومی است که افراد را از نقاط مختلف چهار کشور فوق به یک جا در کوهستان‌های ترکیه می‌کشاند و حول یک هویت حزبی برای هدفی خاص دور هم می‌آورد تا به عنوان یک کنشگر فراملی در عرصه روابط بین‌الملل خود را مطرح سازد؛ به طوری که بتواند به گونه‌ای ظاهر شوند که معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را دگرگون سازند، کما اینکه همواره شاهد بوده‌ایم از ظرفیت این حزب، گاه قدرت‌های منطقه‌ای و گاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای توانسته‌اند به عنوان برگ برنده بر علیه ترک‌ها استفاده کنند.

پیشینه پژوهش

خیری (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «سیاست خارجی ترکیه در قبال اقلیم کردستان عراق» بر پایه رهیافتی نوین به بررسی وجوه مختلف سیاست خارجی ترکیه در اقلیم کردستان عراق می‌پردازد. کتاب مذکور مبتنی بر این فرضیه می‌باشد که فعالیت‌های گسترده ترکیه در اقلیم کردستان عراق زمینه بروز تهدیداتی را برای امنیت جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده و با مورد توجه قرار دادن اهداف و دستاوردهای رویکرد سیاسی ترکیه در اقلیم کردستان به این نتیجه رسیده است که حضور ترکیه در طولانی مدت اسباب تهدیدات سیاسی و امنیتی برای ج.ا.ا خواهد بود. تفاوت این

اثر با تحقیق حاضر عدم پرداختن عمقی به مسئله کردها و علی‌الخصوص وزن حزب کارگران کردستان ترکیه در معادلات سیاست خارجه ترکیه می‌باشد.

ویلیام ام هیل (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «سیاست خارجی ترکیه» به مؤلفه‌های سیاست خارجی ترکیه در روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حوزه‌های مختلف پرداخته است. برخی از مهم‌ترین عناوین آن عبارت‌اند از: سیاست و حکومت، سیاست خارجی، سیاست ترکیه در قبال ایران و آمریکا و ... تفاوت این اثر با پژوهش حاضر عمدتاً در ملاحظات امنیتی برای جمهوری اسلامی می‌باشد.

دیوید فیلیپس (۲۰۱۵) در کتابی با عنوان «بهار کردی» بر تحولات مناطق کردنشین تأکید و بر کردستان عراق تمرکز نموده است. فیلیپس در این کتاب انقیاد کردها از سوی قدرت‌های عرب و عثمانی را مورد واکاوی قرار داده و تحول وضعیت کردها را از قربانی قدرت‌های بزرگ به‌سوی جامعه منسجم سیاسی را مورد مذاقه قرار می‌دهد. علاوه بر استفاده این حقیر از اثر مذکور توجه به ارتباطات گسترده احزاب کردی از جمله دمکرات و «پ.ک.ک.» با آمریکا تفاوت پژوهش حاضر با کتاب مذکور می‌باشد.

گل محمدی (۱۳۹۸) در کتاب «آینده روابط ایران و ترکیه در افق ۲۰۲۵» با هدف شناسایی و تحلیل روندهای تأثیرگذار بر آینده سیاست خارجی ترکیه، ترسیم آینده‌های بدیل حکومت و سیاست این کشور به‌منظور ارائه توصیه‌های راهبردی برای مراکز نظامی، دستگاه دیپلماسی و مراکز تصمیم‌گیری کشور به رشته تحریر درآورده است و نیز سناریویی را برای آینده روابط دو کشور ترسیم نموده است. هرچند این اثر به‌خوبی به موضوعات روابط بین دو کشور پرداخته، لکن غافل از بهره‌گیری از برگ برنده اکراد می‌باشد.

حق پناه (۱۳۸۷) در کتاب «کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی تحولات منطقه‌ای و خاورمیانه‌ای کردها در قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته است. مسئله کرد و منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شدن مسئله کرد، سیاست کشورهای ایران و ترکیه و عراق، سوریه در رابطه با کردها، نقش بازیگرانه آمریکا در هدایت قومیت‌ها با توجه به نظریه موازنه فراگیر، رشد ناسیونالیسم کردی و چالش‌های فراروی دولت‌ها، پیوندها و هویت‌های قومی و فرهنگی کرد توضیحاتی داده شده است.

گل محمدی (۱۳۹۸) در کتاب «ادراک رهبران و سیاست خارجی ترکیه» گامی مثبت در جهت فهم سیاست خارجی معاصر ترکیه ارائه کرده است و مباحثی مانند سازوکارهای تغییر در سیاست خارجی، تحولات سیاست خارجی ترکیه بعد از انقلاب‌های عربی و به قدرت رسیدن آ.ک.پ را مورد بررسی قرار می‌دهد. اینکه بعد از وقوع تحولات انقلابی در خاورمیانه چه مؤلفه‌هایی و چگونه موجب تغییر رفتار سیاست خارجی ترکیه از یک رویکرد اقتصادی، غیرامنیتی و تنش صفر با همسایگان در ۲۰۰۲ به یک سیاست خارجی امنیت محور، تهاجمی و ایدئولوژیک در ۲۰۱۲ شده است؟ سازوکارها و منابع تغییر در سیاست خارجی ترکیه کدام‌اند؟ و نگرش راهبردی رهبران ترکیه به منظور کسب موقعیت رهبری منطقه‌ای و حصول قدرت بین‌المللی چگونه به تحولات سیاست خارجی ترکیه شکل داده، سؤالاتی است که پاسخ آن‌ها در کتاب مذکور یافت می‌شوند.

قاسمی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی ترکیه در قبال داعش» به این نتیجه رسیده است که با تکیه بر نظریه رئالیسم و بحث امنیت هستی‌شناختی، می‌توان رفتار ترکیه را نسبت به داعش تحلیل کرد؛ رفتاری که از نظر دولت‌مردان این کشور، ناشی از فقدان گزینه‌های مطلوب و نگرانی‌های امنیتی است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که از نظر روش، در زمره مطالعات توصیفی-تحلیلی قرار دارد. روش گردآوری مطالب و اطلاعات موردنیاز نیز، از طریق مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها، مجله‌ها و مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های نوشته شده در خصوص موضوع پژوهش و مباحث مرتبط با آن می‌باشد. همچنین برخی از یافته‌های پژوهش، از مشاهدات عینی و تجربیات میدانی پژوهشگر استخراج شده است. همچنین در راستای صحت‌سنجی یافته‌ها از نظریات خبرگان موضوع و جمعی از اساتید دانشگاه بهره گرفته شده است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده شده است.

سؤالات پژوهش

۱- اهداف استراتژی ترکیه در مواجهه و مبارزه با «پ.ک.ک» و داعش چیست؟

۲- رویکرد مواجهه ترکیه با «پ.ک.ک.» و داعش چه تأثیری بر امنیت جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟

۳- ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه ترکیه با «پ.ک.ک.» و داعش چیست؟

یافته‌های پژوهش

تحولات اجتماعی و سیاسی در جامعه کردی

باوجوداینکه هویت قومی کردی در ترکیه از آغاز دوره جمهوریت (۱۹۲۳) سرکوب و رانده شده بود اما در یک دهه اخیر تحولات معناداری در پالایش هویت کردی ترکیه فراهم شد تا جایی که امروزه کارکرد هویت قومی کردی در عرصه‌های مختلف کاملاً نمایان و مؤثر است و در ادامه به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۱- حوزه آموزشی؛ در سال‌های اخیر صدها مؤسسه آموزشی زبان کردی در مناطق کردنشین و حتی مناطق مرکزی ترکیه فعال شده است. احداث مدارس و دانشگاه با محوریت زبان کردی و همچنین گسترش رشته زبان و ادبیات کردی بسیار چشمگیر است.

۲- حوزه رسانه‌ای؛ جامعه کردی ترکیه در سال‌های اخیر صاحب چندین شبکه تلویزیونی و رادیویی و نشریات به زبان کردی شده و مؤسسات مختلف هنری با ماهیت هویت فرهنگی قومی به توسعه فرهنگ عمومی کمک می‌کنند.

۳- حوزه اداری؛ برخلاف دوره‌های گذشته، شهروندان کردی قادرند در مراکز اداری از زبان کردی یا مترجم استفاده کنند.

۴- حوزه سیاسی؛ کردها در حوزه‌های سیاسی توانستند ضمن تشکیل احزاب کردی متعدد و با داشتن ۶۱ نماینده حزبی در پارلمان، حضور پررنگی در مناسبات سیاسی در ترکیه داشته باشند.

۵- تقویت سازمان نظامی «پ.ک.ک.»؛ هم‌زمان با نهادهای سیاسی، امتیازهای سیاسی که کردها کسب کردند، به تضعیف و از بین رفتن سازمان نظامی کردی، یعنی «پ.ک.ک.» منجر نشد. سازمان «پ.ک.ک.» ضمن بهره‌مندی از شاخه سیاسی کردی برای مشروعیت‌سازی، از امکانات شهرداری‌های مناطق کردنشین نیز در جنگ‌های شهری و کندن خندق بیشترین استفاده را

می‌کرد. از همه مهم‌تر اینکه تحولات منطقه‌ای فرصت‌های بی‌بدیلی را برای «پ.ک.ک.» فراهم کرد تا توجه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را بیشتر به خود جلب کند. امروزه «پ.ک.ک.» از طریق حزب کردی سوریه (پ.ی.د) در قاب کانتون‌ها عمق ژئوپلیتیک یافته و حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم کشورهایمانند روسیه، ایران، آمریکا و اروپا را کسب کرده است. به عبارتی، در فضای قطب‌بندی شدن منطقه غرب آسیا، «پ.ک.ک.» فرصت راهبردی برای ارتقای نقش آفرینی خود در بازی‌های منطقه‌ای را یافته است.

رویکرد «پ.ک.ک.» و جریانات سیاسی کردی ترکیه

«پ.ک.ک.» در چهار شاخه مختلف بروز و ظهور دارد که شامل: نیروهای مستقر در کوه‌های قندیل، شاخه امرالی یا عبدالله اوجالان، شاخه اروپا و در نهایت شاخه سیاسی حزب قانونی صلح و دموکراتیک می‌شود. ماهیت همه شاخه‌ها اهداف یکسانی را دنبال می‌کنند، البته به صورت رسمی و غیررسمی بین شاخه‌های مختلف تقسیم وظایف وجود دارد که در نهایت اهداف تاکتیکی و راهبردی زیر را دنبال می‌کنند:

۱- کشاندن مبارزه به شهرها؛ راهبرد نوین جریان‌های کردی به‌ویژه عبدالله اوجالان این بود که مبارزه کردها (هم مبارزه سیاسی و هم جنگ و درگیری) باید در شهرها صورت گیرد. امروزه این راهبرد کارکرد خود را کاملاً نشان می‌دهد.

۲- فرصت‌سازی از فرایند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا برای نهاده‌سازی مطالبات متمایزکننده قومی، مفاد کپنهاگ که برای الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا طراحی شده است، ضمن تقویت خودآگاهی‌های قومی کردهای ترکیه که از حقوق برابر برخوردار نبودند، شرایطی را به وجود آورد که گفتمان قومی در روند نهادینگی خود مؤثرتر عمل کند و براساس آن کردهای ترکیه در کنار سازمان نظامی «پ.ک.ک.» موفق شدند صدها نشریه، نهاد مدنی و فرهنگی قومی به وجود آورند. حتی حزب کردی دموکرات خلق (HDP) به‌عنوان سومین حزب پارلمان در عرصه سیاسی ترکیه عرض‌اندام کرد، به عبارتی جریان‌های کردی درصددند در این روند بیشترین فرصت را ایجاد کنند.

۳- تضعیف حاکمیت ملی در چارچوب گفتمان خودمختاری مناطق؛ در اساسنامه حزب کردی HDP با رویکرد به رفراندوم گذاشتن ژئوپلیتیک ترکیه و مناطق خودمختار به نیت تضعیف

قدرت ملی تأکید شده است. این حزب با شعار ایجاد ۲۶ منطقه خودمختار در ترکیه به منظور شکل‌گیری یک منطقه بزرگ خودمختار کردی در ترکیه، همواره به دنبال گفتمان سازی است.

۴- مشروعیت بخشی بین‌المللی به کارکرد سازمان «پ.ک.ک.»؛ این سازمان با ماهیت رفتاری سکولار توانسته است در بحران‌های مذهب‌گرایانه خاورمیانه توجه غرب را به خود جلب کند. امروزه غرب و روسیه بنیان‌های معرفتی این جریان را نزدیک‌تر به اهداف خود تعریف می‌کنند و می‌کوشند در نبردهای زمینی از آن‌ها علیه داعش یا هر گروه تروریستی دیگر، بهره‌مند شوند.

۵- خودگردانی منطقه‌ای؛ جریان‌های کردی ترکیه اهداف خود را مرحله‌ای تنظیم کرده‌اند و درصددند در وهله نخست تمایز هویتی قلمرویی را در قالب منطقه خودمختار نهادینه کنند و سپس با تقویت آن پیوندهای قومی با سایر مناطق قومی منطقه خاورمیانه از جمله، سوریه و حتی ایران را گسترش دهند.

۶- پیوستن به پروژه استقلال‌گرایی؛ روندهای استقلال‌گرایی کردی در منطقه با الگوهای مختلف سرعت گرفته است. اقلیم کردستان عراق درصدد مدیریت الگوی خودمختاری به استقلال در سال‌های آینده است. الگوی کانتونی در شمال سوریه نیز ضمن نهادینه‌سازی قدرت خود، درصدد ترسیم رویکرد حاکمیتی در آن نواحی است؛ یعنی در صورت اتصال سه کانتون کوبانی،عفرین و اعزاز، جلوه‌هایی از ژئوپلیتیکی حاکمیتی به نمایش گذاشته خواهد شد. «پ.ک.ک.» در این پروژه‌ها فرصت‌های راهبردی طراحی کرده است (رمضانی، ۱۴۰۰: ۷).

راهبرد آنکارا در مدیریت قومی کردها

دولت آنکارا با درک تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، دگرگونی و دگردیسی مهمی را در مدیریت قومی ایجاد کرده است. حزب حاکم عدالت و توسعه نه تنها بر رویکرد دولت‌های گذشته که به انکار هویت‌های قومی تأکید می‌کردند، معترض شده، بلکه با تفسیر نوین از مؤلفه‌های هویت ملی توانست دایره همگرایی هویتی را وسیع و عناصر تشکیل‌دهنده آن را منعطف کند تا اینکه دولت اردوغان تجربه حدود سه سال آتش‌بس با «پ.ک.ک.» را به نمایش گذاشت؛ اما سرعت‌گیری تحولات منطقه‌ای خاورمیانه و دخالت‌های مستقیم ترکیه در بحران‌های آن و

نقش آفرینی این کشور در قطب‌بندی‌های امنیتی منطقه، در نهایت تعادل نسبی به وجود آمده پیرامون صلح را برهم زد و از تیرماه ۱۳۹۴ دوباره جنگ با شدت بیشتری با سازمان «پ.ک.ک.» آغاز شد، با این حال دولت ترکیه در مدیریت آینده قومی کرد راهبردهایی را دنبال می‌کند که به موارد اهم آن اشاره می‌گردد:

- ۱- تأکید بر روندهای ادغام‌ساز به جای همانندسازی: ترک‌ها پس از چهار دهه مخالفت و مبارزه با جریان‌های هویت‌گرای کردی به این نتیجه رسیده‌اند که همانندسازی و الینه کردن نه تنها جوابگو نیست، بلکه تنش‌ها را افزایش می‌دهد؛ اما پروژه ادغام ضمن شناسایی تمایزها و تفاوت‌ها بر مبنای منافع مشترک می‌تواند در کاهش فضای تنش کارساز باشد.
- ۲- مشارکت دادن بیشتر کرد زبان‌ها در حاکمیت؛ این سیاست همواره از چندین دهه پیش دنبال می‌شد. کردها در تمام سطوح حاکمیتی (بدون برجسته‌سازی هویت قومی خویش) حضور عینی دارند.
- ۳- میدان دادن به جریان‌های هویت‌گرای کردی در حوزه سیاسی؛ صدها نهاد و انجمن و ده‌ها حزب کردی با عناوین مختلف با تابلوی هویتی قومی در حال فعالیت هستند.
- ۴- ایجاد جریان کردی رقیب برای «پ.ک.ک.»؛ در سال‌های اخیر، سازمان اطلاعاتی و امنیتی ترکیه تلاش می‌کند از جریان‌های کردی که رقیب «پ.ک.ک.» بوده و به‌نوعی صبغه دینی داشته‌اند، حمایت کند. در این رویکرد از جریان حزب‌الله کردی در مقابل «پ.ک.ک.» حمایت‌های مختلفی صورت می‌گیرد. البته آنکارا در صدد است بیشتر با مخاطب قرار دادن توده‌های اجتماعی از کانال دولتی، مطالبات قانونی آن‌ها را پاسخگو باشد.
- ۵- برجسته‌سازی رقابت حکومت اقلیم کردستان با «پ.ک.ک.»؛ ایجاد رقابت‌های پرشدت میان بارزانی و جریان عبدالله او جالان فرصت‌هایی را برای نیروهای امنیتی ترکیه فراهم کرده است تا از ظرفیت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی اقلیم برای ضربه زدن به «پ.ک.ک.» بهره‌مند شوند. در این میان همکاری اقتصادی و ترانزیتی ترک‌ها با اقلیم در حال توسعه و همکاری نظامی و امنیتی با اقلیم در مناطق کردی سوریه نیز به چشم می‌خورد.
- ۶- تعویض مدیریت اداری به مناطق قومی کردی؛ دولت ترکیه فعلاً آمادگی لازم را برای تعویض و واگذاری اداره مناطق کردی به نیروهای بومی ندارد، اما در نظر دارد تا زمان قدرتمند شدن

نیروهای بومی رقیب «پ.ک.ک.» قدرت مدیریتی کردها بر مناطق را افزایش داده و در قالب خودگردانی یا فدرالیسم آن را بپذیرد، با این وضعیت فعلاً جنگ با «پ.ک.ک.» و نیروهای شهری آن تا تضعیف راهبردی آن‌ها تداوم خواهد یافت (هیل، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

اصول راهنمای سیاست خارجه ترکیه در مواجهه با پ.ک.ک

با تأسیس گروهک تروریستی «پ.ک.ک.» در ۱۹۷۸ و اعلام تأسیس دولت کرد به‌عنوان هدف مبارزات مسلحانه گروهک، مسئله کردها به‌عنوان تهدید اصلی و نگرانی امنیتی آنکارا مطرح گردید، هرچند به‌واسطه خشونت‌های «پ.ک.ک.» این حزب از حمایت اندک مردم کرد منطقه برخوردار است، ولی سیاست خارجی ترکیه در منطقه عمیقاً متأثر از مسئله کردی در این کشور بوده و تمرکز اصلی سیاست خارجی ترکیه بر رفع تهدیدهای «پ.ک.ک.» است. نگرانی امنیتی عمده ترکیه در منطقه خاورمیانه، ابعاد منطقه‌ای تهدیدهای «پ.ک.ک.» است، ترکیه توجه خود را به منطقه خاورمیانه متمرکز نموده است تا بتواند تهدیدات ناشی از «پ.ک.ک.» را کنترل نماید. احمد داوود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه و نویسنده کتاب عمق استراتژیک، ظهور «پ.ک.ک.» را نتیجه غفلت ترکیه از خاورمیانه می‌داند. اگر ترکیه در خاورمیانه فعال نشود، آنگاه خاورمیانه در ترکیه فعال خواهد شد و «پ.ک.ک.» مثال واقعی آن است. به نظر می‌رسد یکی از ابعاد مسئله کردها در ترکیه به امنیتی نمودن تقاضاهای کردها برمی‌گردد. در اثر خشونت‌های «پ.ک.ک.» بیش از ۴۰ هزار نفر که بیشتر آن‌ها سرباز، نگهبان روستا و شهروند عادی بودند، جان خود را از دست دادند. از ۲۰ جولای ۲۰۱۵، یعنی از زمان به شکست انجامیدن پروسه صلح تا ۹ ژانویه ۲۰۱۷، در اثر برخوردهای نیروهای دولتی با شورشیان «پ.ک.ک.»، ۲۶۹۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند که ۳۸۳ تن از آن‌ها غیرنظامیان بوده‌اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ترک‌ها معتقد بودند ایران از حزب کارگران کردستان ترکیه و مسئله تجزیه ترکیه به‌عنوان ابزاری برای تضعیف ترکیه استفاده می‌کند و ایران را به حمایت تدارکاتی و پناه دادن اعضای «پ.ک.ک.» متهم می‌کردند. در مجموع، در طول دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ «پ.ک.ک.» باعث کدورت ایران و ترکیه گردید و روابط دو کشور تحت تأثیر مسئله جدایی‌طلبی کردی رو به تیرگی نهاد. اقدامات «پ.ک.ک.» در حمله به قطار حامل مسافران ایرانی در منطقه مرزی دو کشور و با انفجار خطوط لوله انتقال گاز ایران به ترکیه امنیت در نواحی

مرزی ایران را مختل می‌نمود و می‌تواند در آینده بر توسعه صادرات ایران تأثیر منفی بگذارد و ساخت خطوط لوله و تحقق توانمندی‌های منطقه را با مشکل مواجه نماید؛ اما آنچه موجب واکنش جدی ایران در مقابل «پ.ک.ک.» و اتحاد آن با ترکیه گشت، اقدام «پ.ک.ک.» در شکل‌دهی به «پژاک» بود. در تلافی اقدامات «پ.ک.ک.» در شکل‌دهی به «پژاک»، ایران «پ.ک.ک.» را یک سازمان تروریستی معرفی کرد. همچنین، ایران شروع به انجام اقدام‌هایی علیه این گروه‌ها نمود. هرچند «پژاک» و «پ.ک.ک.» به لحاظ سازمانی جدا از هم هستند، ولی «پژاک» در عمل از شاخه‌های «پ.ک.ک.» به شمار می‌رود. این دو سازمان تروریستی در زمینه‌های آموزش، لجستیک و نقل و انتقال کارکنان با هم همکاری نزدیک دارند و هر دو عضو اتحاد جوامع کردستان ۱۳ که شاخه غیرنظامی «پ.ک.ک.» است، هستند (سایت بی تاوان، ۶ فروردین ۱۴۰۰).

فعالیت‌های «پ.ک.ک.» در شمال عراق باعث شد شکاف بین ترکیه و آمریکا عمیق‌تر شود، ایالات متحده نسبت به دغدغه‌های ترکیه با سردی برخورد نموده و به خواسته‌های ترکیه برای اقدام علیه «پ.ک.ک.» وقعی نمی‌نهاد. علی‌رغم برخی همکاری‌های مقطعی، آمریکا در مجموع نه تنها حاضر به اقدام علیه «پ.ک.ک.» نبود، بلکه در موارد متعدد با دخالت و ورود نیروهای ترکیه در شمال عراق مخالفت می‌کرد. در جولای ۲۰۰۳ دستگیری یازده نیروی ویژه ترکیه در سلیمانیه توسط نیروهای آمریکایی و برخورد تحقیرآمیز با آن‌ها موجب برانگیختن احساسات ضدآمریکایی در میان مردم گردید (همان).

تأثیر تحولات سیاست خارجی ترکیه با «پ.ک.ک.» همواره بر روابط ترکیه با عراق نیز بروز و ظهور داشته است به نحوی که از بدو تأسیس جمهوری ترکیه در ۱۹۲۳، دولت ملی در ترکیه با چالش مسئله کردها مواجه بوده است. در طول دوره حدوداً هشتادساله تسلط کمالیست‌ها بر مراکز قدرت سیاسی در ترکیه، آنکارا سیاست انکار و ادغام کردها را در ناسیونالیسم ترکی پیگیری می‌کرد. پیدایش سازمان حزب کارگران کردستان «پ.ک.ک.» پاسخ کردها به سیاست انکار و ادغام به‌مثابه سیاستی در جهت دولت‌سازی مدرن در ترکیه بوده است. در طول دو دهه پایانی قرن بیستم، ترکیه شاهد کشمکشی خشونت‌بار مابین دولت مرکزی و سازمان «پ.ک.ک.» بوده است؛ به گونه‌ای که برآورد می‌شود که بیش از سی هزار نفر در طول این کشمکش خشونت‌بار جان باخته‌اند. به‌طور کلی در دوره تسلط کمالیست‌ها، مسئله کردها در کنار مسئله اسلام سیاسی توسط

نخبگان در قدرت به عنوان تهدیداتی موجودیتی بر علیه تمامیت ارضی و مشخصه سکولار حکومت بر ساخته شده بودند، پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از اوایل قرن جدید، آنکارا سیاست امنیتی سازی مسئله کردها را تعدیل نموده و در صدد راه حل هایی جدید برای این مسئله برآمده است. با توجه به ساختارهای دموگرافیکی و ژئوپلیتیکی عراق و پایگاه های «پ.ک.ک» در کوهستان قندیل در اقلیم خودمختار کردستان عراق، مسئله کردهای ترکیه و سیاست آنکارا به ویژه در پیوند با عراق بعدی بین المللی نیز یافته است. در این مقاله به روش تبیینی و از چشم انداز رهیافت نظری امنیتی سازی و غیرامنیتی کردن، به تحول سیاست ترکیه در دوره سلطه حزب عدالت و توسعه نسبت به مسئله داخلی کردها و تأثیر آن بر روابط ترکیه و عراق پرداخته شده است.

ملاحظات راهبردی امنیتی و بررسی تطبیقی مفهوم امنیت ایران و ترکیه در مواجهه با پ.ک.ک

بررسی مناسبات ایران و ترکیه از آن جهت حائز اهمیت است که این دو همسایه هر کدام از ویژگی های منحصر به فردی در منطقه خاور میانه برخوردارند؛ بنابراین اتخاذ سیاست تعاملی و یا تعارضی از طرف این دو کشور، نسبت به هم، می تواند معادلات مربوط به منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. ترکیه بر اساس اصول کمالیسم همواره سعی کرده است منافع خود را در نزدیکی به غرب تعریف کند. هر چند که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه تغییرات زیادی در جهت گیری های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور ایجاد شده است، اما در نهایت، پیوستن به اتحاد اروپا هدف راهبردی ترکیه محسوب می شود.

اما ایران نیز از موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فردی در منطقه خاور میانه برخوردار است. قرار گرفتن در قلب انرژی جهان (خلیج فارس و دریای خزر) و برخورداری از منابع انرژی سرشار، به همراه قدرت نرم و تأثیر گذار ایران در مسائل مختلف منطقه ای موقعیت ویژه ای در اختیار ایران قرار داده است تا در کانون توجه جهانی قرار گیرد. با پیروزی حزب اسلام گرای اعتدال و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در سال ۲۰۰۲م. فضای جدید در روابط دو کشور مهیا شد؛ بنابراین روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه نویدی خوش برای ایران تصور می شد و می توانست به میزان زیادی به عنوان یک مؤلفه مثبت در روابط بین دو کشور باشد.

سیاست خارجی ترکیه از اندیشه‌های وزیر امور خارجه وقت این کشور نشئت می‌گرفت. به باور احمد داوود اوغلو، برخورداری از عمق استراتژیک مهم‌ترین دارایی ترکیه است. او معتقد بود ترکیه به سبب ویژگی‌های جغرافیایی و تاریخی تعلق صرف به یک نقطه خاص ندارد و به صورت توأمان متعلق به مناطق جغرافیایی مختلفی است. به باور او محدود کردن ترکیه به نقش آفرینی در یک منطقه محدود مثلاً بالکان و یا خاورمیانه اشتباه است، چراکه ترکیه یک قدرت منطقه‌ای نیست، بلکه یک قدرت مرکزی است. از سوی دیگر چون ترکیه یک قدرت مرکزی است، قادر است در مناطق مختلف جهان نقش آفرین باشد و به بازده آن هم که اهمیت استراتژیک است، کاملاً خوش‌بین باشد. در این تعریف ترکیه کشوری است که هم‌زمان در مناطق مختلف خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان حوزه دریای خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه صاحب نفوذ و تأثیرگذاری است و در تمامی این مناطق نقش استراتژیک و محوری دارد. از این‌روست که برخی اقدامات سیاست خارجی کنونی ترکیه ظاهری ناهمگون داشته و البته متناقض به نظر می‌رسد، مانند داشتن هم‌زمان روابط استراتژیک نظامی- تجاری با رژیم صهیونیستی اسرائیل و حمایت از مردم فلسطین و به راه انداختن کاروان آزادی، هم‌پیمانی با امریکا و اروپا و روابط حسنه با ارمنستان، ادعای اسلامی گری حزب عدالت و توسعه و پیشنهاد انتخاب ساختار لایسم به دولتمردان مصری، موافقت با استقرار مسیر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و حمایت از فعالیت هسته‌ای صلح‌آمیز ایران و موارد دیگر که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: استقرار سپر دفاع موشکی ناتو، حوادث سوریه، مناقشه قره‌باغ و تأثیر آن بر امنیت ایران و ترکیه، احتمال رشد جریان‌های تروریستی و در رأس آن «پ.ک.ک.» نزدیکی مرزهای ایران (روزنامه اعتماد ۹ دی ۹۹، شماره ۴۸۲۸).

ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران

پیش از ارائه ملاحظات راهبردی توجه به سه نکته اساسی و مهم به نظر می‌رسد، اول اینکه تحولات در مدیریت قومی کردها در ترکیه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود را بر مسئله قومی کردهای ایران خواهد گذاشت. دوم اینکه آمال و آرمان «پ.ک.ک.» و جریان‌های کردی منطقه، متمایزسازی مناطق قومی کردی با تأکید بر چهارپارگی منطقه کردی است. سوم اینکه مطلوبیت راهبردی غرب در ایجاد کانون‌های بحران هویتی و قومیتی در بین کشورهای مهم منطقه برای

تحت الشعاع قرار دادن سیاست تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی است. با این اوصاف به چند ملاحظه راهبردی اشاره می‌گردد:

الف) پرونده‌ای دیدن بحران سوریه؛ همان‌طوری که انتظار می‌رفت بحران سوریه به تمام مناسبات دوجانبه و منطقه‌ای ایران و ترکیه انشعاب پیدا کرد و ما شاهد رقابت‌های پرشدت در موضوعات مختلف بودیم؛ اما این وضعیت در عراق جلوه‌هایی از تنش امنیتی نظامی ایجاد کرد؛ به‌طوری که در مناطق هم‌مرز با ترکیه درگیری‌های نظامی میان شاخه‌های مختلف «پ.ک.ک.» از جمله پژاک با نیروهای مرزی ایران رخ داد، هرچند در ادامه جنگ با داعش با سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و همکاری سران اقلیم کردستان عراق از ظرفیت سازمان «پ.ک.ک.» در مبارزه با داعش بهره‌گیری به عمل آمد.

ب) عدم تحلیل تاکتیکی از ژئوپلیتیک قومی؛ کردها در منطقه فعلاً در مدل‌سازی مانند «خودمختاری اقلیمی» مانند عراق و «کانتون سازی هویتی» مانند سوریه را به نمایش گذاشته‌اند. در ترکیه مدل سومی ظهور خواهد کرد. این مدل جلوه‌هایی از خودمختاری جغرافیای قومی را خواهد داشت. در این صورت با توجه به اینکه در ایران ادغام اجتماعی لازم اقوام کرد با هویت ملی صورت نگرفته است؛ به همین دلیل خطر تغییر مسیر بحران به‌سوی ایران دور از انتظار نیست. با این اوصاف نباید همچون برخی از مواقع در گذشته، کمک به «پ.ک.ک.» در رقابت‌های منطقه‌ای برای ما فرصت‌های تاکتیکی فرض شود چراکه اکنون و با فروکش کردن بحران داعش در مرزهای ایران و ترکیه، «پ.ک.ک.» به فکر سازمان‌دهی مجدد و تجدیدقواست، نهایت اینکه قدرت‌گیری و مشروعیت‌یابی «پ.ک.ک.» به قدرت شاخه نظامی و ایرانی آن یعنی پژاک منجر خواهد شد.

ج) عدم استقبال از ورود روسیه به مناقشه کردی منطقه؛ ورود مستقیم روسیه و هر بازیگر دیگر برای قدرت‌بخشی به مناقشه قومی کردی ترکیه، می‌تواند پروژه تجزیه کشورهای مسلمان یا طرح خاورمیانه بزرگ را تسریع بخشد که درنهایت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند مورد مذاکره بازیگران بین‌المللی قرار بگیرد.

د) نفوذ اجتماعی به مناطق کردنشین ترکیه؛ با توجه به اینکه قوم کرد می‌تواند خود را در حوزه تمدنی ایران تعریف کند یا در جغرافیای فرهنگی ایران قرار دهد، به همین دلیل پالایش

فرهنگ ایرانی در میان کردهای ترکیه و کارکردی کردن آن‌ها می‌تواند به حداکثرسازی مطلوبیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در همکاری‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای کم کند، به عبارتی در رویکرد جمهوری اسلامی ایران تفکیک و تمایز جدی بین حوزه اجتماعی و سیاسی جامعه کردهای ترکیه با حوزه نظامی و تروریستی آن صورت می‌گیرد.

و) فعال نگه‌داشتن همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه در حوزه جریان‌های تروریستی؛ مسئله قوم‌گرایی کردی موضوع پایدار و فعال جمهوری اسلامی ایران است. به همین دلیل، این موضوع نباید تحت‌الشعاع رقابت‌های منطقه‌ای قرار گیرد. ایران و ترکیه باید در هر شرایطی بر همکاری‌های امنیتی خود در حوزه تروریست قومی تأکید و آن را نهادینه کنند.

ر) ساخت فرصت در چارچوب کنترل و تغییر تهدید؛ دیپلماسی امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران نباید اجازه دهد غرب و رژیم صهیونیستی با تفسیر تضادها، هارمونی امنیتی ایران را در محیط پیرامونی و منطقه‌ای به هم بزنند. در این راستا، فعال‌سازی دیپلماسی امنیتی ایجابی به‌ویژه با ترکیه ضروری به نظر می‌رسد.

ه) آلترناتیو سازی برای بدیل‌های مختلف در اقلیم کردستان عراق؛ در بازی‌های بین‌المللی قدرت بر اساس تأثیرگذاری و تعدد انتخاب تعریف می‌شود؛ یعنی بدیل‌های مختلف جایگزین‌های مختلفی داشته باشند. پس لازم است در دیپلماسی هوشمند امنیتی، راهبردها و سیاست‌های کاربردی، فراگیر و با قابلیت اجرا طراحی شود. این رویکرد باید در اقلیم کردستان عراق با دقت پیگیری شود، یعنی اگر حکومت بارزانی بدون در نظر گرفتن منافع و ملاحظات جمهوری اسلامی ایران، راهبردهای خود را تنظیم می‌کند، باید متوجه قدرت نفوذ و تأثیرگذاری ایران باشد (رمضانی، ۱۴۰۰: ۹).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ترکیه به‌رغم سیاست‌های اعلامی‌اش در حوزه خارجی، مبنی بر صفر کردن تنش با کشورهای منطقه و برخی گروه‌ها (اپوزسیون) که مهم‌ترین آن «پ.ک.ک.» می‌باشد، در حوزه خارجی همچون سیاست داخلی کارنامه قابل قبولی از خود به جای نگذاشته است. تلاش برای سرنگونی نظام سوریه، تنش با اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق و حمایت‌های پیدا و پنهان از تکفیری‌ها برای رسیدن به این هدف، برای اردوغان و حزبش بسیار گران تمام شده است.

این در حالی است که علیرغم دست‌وپنجه نرم کردن عراق با برخی ناامنی‌ها از قبیل داعش و حملات و بمب‌گذاری‌های گاه و بی‌گاه، باید شاهد بمباران مناطق مرزی خود توسط ارتش ترکیه به نام مقابله با نیروهای «پ.ک.ک.» هم باشد. ترکیه به بهانه مبارزه با «پ.ک.ک.» بخش‌هایی از خاک عراق در شمال این کشور را اشغال کرده و نزدیک به ۱۸ پایگاه نظامی برای خود ایجاد کرده است. ترکیه مخالف حضور و فعالیت نیروهای حشدالشعبی بود و در رسانه‌های خبری مورد حمایت دولت ترکیه از آن گروه تحت عنوان گروه تروریستی شیعه یاد می‌کردند. از دید ترکیه حشد الشعبی مشابه «پ.ک.ک.» است با این تفاوت که وابسته به ایران است. از دید ایران حفظ نفوذ بر موصل مسیر دسترسی تهران به سوریه از طریق مرز عراق و سوریه را باز نگه می‌دارد.

هم‌زمان با این تهدیدات امنیتی توانسته است با کمک یکی از احزاب حاکم بر اقلیم کردستان بخش عظیمی از انرژی این منطقه را از طریق خط لوله جیهان به تاراج ببرد و قسمت زیادی از صادرات خود به اقلیم کردستان عراق داشته باشد و عملاً توانسته است به دلیل جبر جغرافیایی اقلیم کردستان، این منطقه را به گروگان خود بگیرد (خیری، ۱۳۹۷).

در رابطه با دخالت در موضوع بحران سوریه نیز، ترکیه از ابتدای بحران در انتظار تیر خلاص گروه‌های تروریستی و از جمله داعش به نظام و دولت سوریه بود و حتی در مراحل طولانی مدتی از آنان حمایت لجستیک کرده بود، رفته‌رفته و با پیشروی‌های ارتش سوریه در مناطق تحت اشغال تروریست‌ها و نیز ناامیدی از سرانجام تروریسم در سوریه، تغییر استراتژی داد. از همین رو آنکارا از فاز استفاده نیابتی‌هایش به‌خصوص تیپ‌های ترکمن و ارتش آزاد عبور کرد و علاوه بر بهره‌برداری از این گروه‌های تکفیری و تروریستی، اقدام به ورود مستقیم به بحران سوریه کرد.

علاوه بر این ملاحظات نامناسب ترکیه در امور منطقه و پافشاری بر سیاست‌هایی که برخلاف منافع ملی این کشور می‌باشد، نهایتاً تبعاتی در داخل و خارج به همراه داشته است که این تبعات ترکیه را دستخوش تحولاتی خواهد کرد تا بلکه اردوغان را از توهم احیای امپراطوری عثمانی خارج کند. شکست تلخ و پیروزمای وی در انتخابات پارلمانی ترکیه مصداق بارز آن است. ناکامی حزب عدالت و توسعه در حفظ اکثریت پارلمان پس از ۱۳ سال را باید شکستی سنگین برای این حزب قلمداد کرد و این شکست را می‌توان ناشی از بی‌توجهی به مطالبات کردها، غرور، یکه‌تازی، تکبر و سوءاستفاده از قدرت رهبران این حزب و درگیر شدن با دو جریان کمالیست‌ها (نظامیان) و اسلام‌گرایان (جریان فتح‌الله گولن) و جهت‌گیری نادرست در سیاست خارجی دانست.

علاوه بر این برخی دیگر از پیامدهای ناکامی سیاست خارجی ترکیه در مواجهه با مسائل بین‌المللی از جمله مسئله «پ.ک.ک» را در عوامل زیر برشمرد:

- تبدیل نظام پارلمانی به ریاستی؛
- ایجاد چالش‌های درونی در حزب عدالت و توسعه (AKP)؛
- افول رهبری کاریزماتیک اردوغان؛
- چالش در پست ریاست جمهوری ترکیه؛
- ادامه روند چالش امنیتی با کردها؛
- تغییر رویکرد و توسل به زور در مسائل مربوط به اقلیت‌ها.

جمهوری اسلامی ایران و ترکیه که در منطقه مهم و راهبردی غرب آسیا واقع شده‌اند، دارای پیشینه تاریخی قابل توجهی هستند و مشابهت‌های قابل تأملی از جمله تمدن‌های باستانی قبل از اسلام و امپراتوری‌های بسیار گسترده‌ای دارند. هر دو کشور در طول تاریخ خود روابط پرفرازونشیبی داشته‌اند که گاه این روابط دوستانه و گاه با تعارض و حتی جنگ همراه بوده است. ایران و ترکیه همواره خود را قدرت برتر منطقه پنداشته و در این راستا در عین برقراری روابط حسنه رقابت جدی با هم نیز داشته‌اند. بعد از روی کار آمدن بایدن و دیگر تحولات در منطقه ترکیه برای مناطق مورد نفوذ جمهوری اسلامی دست به تغییر سیاست زده که به مواردی در این پژوهش اشاره می‌گردد:

نوعثمان گرایی امروز ترکیه، درگیر عراق، سوریه و قره‌باغ بوده و رو به شرقی دارد که مهم‌ترین چالش آن ایران است. مانع و نقطه برخورد نهایی نوعثمان گرایی ترکیه از نظر داوداوغلو در کتاب عمق استراتژیک، ایران است. ترکیه نه تنها تمایل به ورود ایران به هیچ پیمان یا همکاری منطقه‌ای ندارد، بلکه مانع آن نیز می‌شود.

ترکیه با ایجاد ناامنی و تغییر شرایط عراق و سوریه امروز نه تنها پروژه مسیر ترانزیت انرژی ایران، عراق و سوریه به مدیترانه را به محاق برده، بلکه بر مسیر ترانزیت شمال و جنوب نیز با دستاورد قره‌باغ سایه انداخته است. البته ترکیه رقیب ماست و از رقیب انتظار بیشتری نمی‌رود، لذا ترکیه هم‌پیمان موقتی برای ایران محسوب می‌گردد و هر زمان منافعش ایجاب کند ایران را رها می‌کند.

فهرست منابع

- حق پناه، جعفر (۱۳۸۷). «کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خیری، مصطفی (۱۳۹۶). «سیاست خارجی ترکیه در قبال اقلیم کردستان عراق». تبریز: انتشارات اختر دانش شهرکی، محمدرضا (۱۳۹۶). «مفهوم حاکمیت ملی در پرتو نظریه حقوق اساسی». تهران: کنفرانس سالانه پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- رمضانی، سعید (۱۴۰۰). «سیاست تقابلی ترکیه و تلاش برای حضور در مناطق نفوذ ایران». منتشرشده در سایت دیپلماسی ایرانی، ۰۶ فروردین‌ماه
- سازمند، بهاره (۱۳۸۳). «جهانی‌شدن و تحول مفهوم دولت ملی». فصلنامه راهبرد، شماره ۳۲، صص ۲۸۳-۲۹۲
- عباس زاده، مهدی (۱۳۹۸). «بررسی شکل‌گیری داعش براساس نظریه پسابین‌الملل فرگوسن و منزیخ». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۹، شماره ۳، صص ۳۹-۳۵.
- فلیپس، دیوید (۱۳۹۶). «بهار کردی، نقشه جدید خاورمیانه». مترجم: آزاد حاجی آقایی، تهران: انتشارات رامان سخن.
- قاسمی، محمدعلی. (۱۳۹۵). «استراتژی ترکیه در قبال داعش». مطالعات راهبردی، شماره ۱۹.
- گل محمدی، ولی (۱۳۹۸). «آینده روابط ایران و ترکیه در افق ۲۰۲۵». تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵). «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل». تهران: انتشارات سمت.
- میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹). «نیم‌نگاهی به مفهوم امنیت». علوم سیاسی، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۳۳-۱۴۲.
- هیل، ویلیام (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترکیه». ترجمه ناصر پور ابراهیم، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- پایگاه‌های اینترنتی
- انجمن بی تاوان آذربایجان غربی به آدرس <https://bitawan.com/>
- خبرگزاری کردپرس به آدرس <https://www.kurdpress.com/>
- سایت روزنامه اعتماد به آدرس <https://www.etemadnewspaper.ir>
- سایت روزنامه همشهری به آدرس <https://www.hamshahrionline.ir>

